

تقریر دفتر استاد سید کاظم مصطفوی «زید عزه العالی» از درس خارج فقه
استاد سید کاظم مصطفوی؛ 1397/12/14



موضوع: مسئله سوم حیض با مرضعه بودن جمع می شود

مسئله سوم: سید طباطبایی یزدی قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: «لا اشکال فی ان حیض یجتمع مع الارضاع و فی اجتماعه مع الحمل قولان الاقوی انه یجتمع معه سواء کان قبل الاستبانه او بعدها و سواء کان فی العاده او قبلها او بعدها نعم فیما کان بعد العاده بعشرین یوماً الاحوط الجمع بین تروک الحائض و اعمال الاستحاضه» [1] در این مسئله سید می فرماید: شک و شبهه ای نیست که حیض با ارضاع جمع می شود. در متن آورده است و ما هم متن را خواندیم هرچند خود سید هم می فرماید که این مسئله متسالم علیه است بحث ندارد یک خانمی که مرضعه است حیض هم می بیند متسالم علیه است. در بین فقهای اهل بیت رای ای یا احتمال خلاف ندیدم این مطلب که عنوان شده است دلیل آن را خود سید می داند ظاهر امر این است که این مسئله متسالم علیه است و جای بحث ندارد و از ضروریات است. اما شاید ذکر این عنوان مقدمه باشد برای عنوان بعدی که ارضاع و حمل که یک مقدار فرق دارد مقدمه برای او باشد. جمع شدن حیض با ارضاع که از قطعیات است.

اما اقوال در جمع حیض با حمل و ادله آنها

اما جمع شدن حیض با حمل مورد اختلاف است: دو قول وجود دارد که در متن دو قول آورده است و در تحقیق به قول سوم هم برمی خوریم. قول اول این است که این حمل با حیض جمع نمی شود. قول دوم این است که حیض با حمل جمع می شود یعنی یک زنی که حامله است حیض هم می شود. سید می فرماید: اقوی این است که جمع می شود و این اقوی را هم بعد توسعه می دهد می فرماید جمع شدن آن مشروط به حالت استبانه نیست

که حمل ماه های اخیر آن برسد استبانه یعنی حمل یعنی مستبان و روشن و ماه های اخیر آن باشد مشروط به آن هم نیست از اول تحقق حمل تا آخر نه ماهگی مثلاً. فرق نمی کند هر موقع حیض واقع بشود واقع شده است حمل با حیض جمع می شود. این فتوا بود. اما هر دو قول و ادله آن:

قول اول و قائلین و روایات

قول اول این بود که حمل با حیض جمع نمی شود کسی که حامله است حائض نمی شود. قائلین به این قول شیخ مفید قدس الله نفسه الزکیه کتابی دارد به نام رساله احکام نساء در این رساله مخصوص احکام نساء می فرماید: حمل با حیض جمع نمی شود. و موافق با رأی ایشان محقق حلی قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: اظهر این است که زنی که حامله باشد حائض نمی شود.^[2] سومین مورد از اقوال فقیه حلی که ایشان هم موافق با شیخ مفید می فرماید: حامله حائض نمی شود، جمع بین حمل و حیض کار ناممکنی است.^[3] و همین طور ابن جنید هم می گوید که قولش را در مختلف نقل می کند. فتاوی او در کتاب مختلف که علامه حلی فتاوا را جمع می کند فتوای ایشان را هم آنجا می آورد. پس قول اول که حمل با حیض جمع نمی شود قولی است که شیخ مفید و فقیه حلی و محقق حلی آن را اعلام کرده اند. و برای این مطلب روایتی و وجوهی هم اعلام می کند. اما روایت: و باسناده عن محمد بن احمد بن یحیی عن ابراهیم بن هاشم عن النوفلی عن السکونی عن جعفر عن ابیه علیهما السلام، اسناد شیخ به محمد بن احمد بن یحیی صحیح است و خود محمد بن احمد بن یحیی هم از اجلاء و ثقات است ابراهیم بن هاشم که پدر بزرگوار صاحب تفسیر است بسیار به ندرت در سند به تنهایی ذکر می شود این یکی از مواردی است که ابراهیم بن هاشم به تنهایی ذکر شد. عن النوفلی عن السکونی که این قسمت سند به ذهن ما خالی از اشکال نیست ولی سند را موثق اعلام کردند. نوفلی و سکونی که سکونی از ابناء عامه است و نوفلی از ابناء اهل بیت است این دو تا با هم آشنا و استاد و شاگرد هستند سکونی شیخ نوفلی است و هر دو توثیق دارند که هم توثیق خاص و هم آنقدر روایت نقل کردند که محققین رجالی به این دو شخصیت اعتماد فوق العاده دارند و وثاقت شان قابل بحث نیست. فقط به ذهنم یک اشکالی هست که به نظر من ابراهیم بن هاشم طبقه اش با طبقه نوفلی یکی نیست هم طبقه نیست نقلش افتاده داشته باشد ولیکن سند را سیدنا الاستاد معتبر اعلام می کند فعلاً ما این سند را از لحاظ راوی ها مورد وثوق می دانیم در اعتبار سند بحث نداریم اما می شود موثقه. از امام صادق از امام باقر علیهما السلام «انه قال قال النبی ما کان الله لیجعل حیضاً مع حبل»^[4] خداوند حیض را حبل همراه قرار نداده است اگر حیض باشد حامل نیست حبل نیست و اگر حبل باشد حامله باشد حیض نیست یعنی «اذا رأت الدم و هی حامل لا تضع الصلاه» برای اینکه حامل حائض نمی شود در وقت حمل اگر خونی ببیند نمازش را ترک نکند حکم حیض را مترتب نسازد. در دلالت این روایت شبهه ای نیست و در سندش هم شبهه ای از حیث اعتبار نمی کنیم و سند معتبر است. روایت دیگری هم هست که عبارت است از روایت مقرر، که این روایت مشکل دارد از لحاظ سند و

سندش معتبر دیده نمی شود لذا سند را هم نخوانیم در حد یک روایت مسندی که نقش موید داشته باشد و سند اعتبارش کامل نیست. عن ابی عبدالله علیه السلام «قال سلمان رضی الله عنه علیاً علیه السلام عن رزق ولد فی بطن امه فقال ان الله تبارک و تعالی حبس علیه الحیضه فجعلها رزقه فی بطن امه» [5] سوال شد از رزق ولدی که در رحم است آقا فرمود که خدای متعال حیض را در رحم محفوظ نگه داشته است برای روزی ولد، گویا دلالت کند که حیض وجود ندارد و حیض آنجا محبوس است. این توجیهی که می شود تا این حد هست. اما این روایت همان طوری که گفتیم در حد یک موید می تواند باشد ما دلالت و سند را که کامل ندیدیم در حد یک موید می باشد. از لحاظ سند موید و از لحاظ دلالت هم بگویید که حیض تماماً محفوظ بماند هرچند این دلالت هم کامل نیست برای اینکه رزق ولد بودن منافات ندارد با اینکه حیض هم بشود. چون دلالت کامل نیست و سند هم در آن حد این را به عنوان موید تلقی کنیم. روایت سوم در این جهت یعنی در جهت اثبات عدم جمع بین حمل و حیض که این روایت عبارت است از روایت صحیحہ حمید بن مثنی، در اصطلاح عربی حجازی همیشه فَعِیل فُعِیل است حَمِید حُمِید است همه این اوزان این گونه است ما در فارسی این را حَمِید می خوانیم ولی در این اصطلاح حجاز حُمِید می خوانند. و عنه عن علی بن الحکم عن حُمِید بن مثنی که این عنه را کجا می بریم؟ روایت قبلی، آمده است باسناده عن احمد بن محمد که راوی و ناقل از علی بن الحکم است و عنه یعنی از همان احمد بن محمد بن یحیی عن علی بن الحکم که از اجلاء و ثقات است و توثیق خاص دارد عن حُمِید بن المثنی که توثیق دارد «قال سالت ابا الحسن الاول علیه السلام عن الحبلی تری الدفقه و الدفقتین من الدم فی الایام و فی الشهر و فی الشهرین فقال تلک الحراقه لیس تمسک هذه عن الصلاه» [6] این روایت سوال شد که حامله یک دفعه ای یا دو دفعه ای یعنی یک مقدار یا دو مقداری که یک قطعه ای از خون در ایام عادت از حامله بیرون می آید چه کند؟ می فرماید: «تلک الحراقه» این حراقه است حراقه یعنی ریزش است یک ریزشی است احراق انداختن است «لیس تمسک هذه عن الصلاه» این نمی تواند از نماز مانع بشود یعنی این دیگر حیض نیست. دلالت روایت تا حدودی درست است و سند هم که صحیح بود منتها اشکالی که می شود برای عدم تمامیت دلالت این است که در سوال آمده دفعه و دفقتین، منظور از دفعه و دفقتین مقداری است که در حد حیض نیست از لحاظ ایام و از لحاظ کمیت. بنابراین آن مقدار خون کمی که بیاید که کمتر از سه روز باشد و مقدارش هم کم باشد دیگر آن حیض به حساب نمی آید. روایات گفته شد و نصوص تا اینجا بود و ادله ای که قابل استناد بود در این حد بود برای اثبات قول اول که عدم جمع بود. یک وجوهی را هم گفته اند که صاحب جواهر و فقیه حلی آن وجوه را هم یادآور می شوند که به چند از آن وجوه اشاره کنیم. مضافاً بر این روایات وجوهی در جهت اثبات این مدعا گفته شده است: 1. غلبه، ما در بحث فقه و در مسئله عادات از غلبه استفاده می کنیم و استناد به غلبه می کنیم. در اینجا هم می گوییم که غلبه در وضعیت حمل این است که حیض نمی شود غالب این است که شخص حامل حائض نمی شود و همان اصطلاحی که در اصول آمده بود در معالم که «الظن يلحق الشيء بالاعل» دیگر آن اغلب می شود مظنون و حمل به آن می کنیم. جواب این است که یک ظن ابتدائی است یک ظن ابتدائی می شود در حد یک استحسان و دلیل نمی شود. خود شما گفتید در اصطلاح که «الظن يلحق الشيء»

مظنون این می شود که ظن بما هو ظن که اعتبار شرعی ندارد. بر فرضی که بگوییم غالب موجب ظن می شود خود ظن اعتبار شرعی و قانونی ندارد. وجه دومی هم گفته می شود این است که در زمان حیض طلاق درست نیست و در زمان حمل درست است بنابراین قابل جمع نیست. حامل که درست است اطلاقاً از ابتدای حمل تا آخر پس معلوم است که حیض ندارد و الا حیض مانع صحت طلاق است. این وجه دوم، این وجه هم جا ندارد. جواب این هم معلوم است که قابل جمع است می شود حامل را طلاق دارد در حالی که حیض نباشد اگر حیض بود طلاق ندهد قابل جمع است. بنابراین وجوه در انتها می شود یک وجوهی که شما استحسانیه می گویند و ما مویدات می گوئیم. کل روایات ضعیف و وجوهی که وجه استدلالی داشته باشد ولو وجه کامل نباشد در حد موید است. یک روایت معتبر داشتیم که معتبره سکونی بود و بعد هم دو تا روایت موید داشتیم و سه وجه از وجوه استدلالی مطلب کامل شد برای یک حکم یک روایت معتبر و دو روایت موید و دو تا وجه تاییدی می تواند کافی باشد و درست است و کافی است مگر معارض نداشته باشد اگر ما بودیم و همین استدلال و معارض نداشتیم مطلب تمام بود اعلام می کردیم که حامل حائض نمی شود

قول دوم و قائلین و روایات

اما در مقابل رای دوم را طرح بکنیم ببینیم که چقدر از پشتوانه بالایی برخوردار است. که مطابق با فتوای متن است که این دو عنوان قابل جمع است یعنی قول دوم قول به امکان جمع بین حمل و حیض. در این باره به ترتیب اول اقوال بعد نصوص و بعد اصول و قواعد. اما اقوال: اقوالی که در این رابطه هست گفته می شود شهرت یعنی این قول مشهور است و معروف. و اعظامی که این قول را اعلام کردند حتی بعضی هایشان اجماع هم اعلام کرده اند از این دسته از فقهاء: 1. سید علم الهدی قدس الله نفسه الزکیه کتاب ناصریات که کتاب کوچکی است ضمن جوامع فقهیه بحث دماء ثلاث می فرماید: حمل با حیض قابل جمع است. می شود یک مرأه حامل باشد و حائض هم باشد. 2. شیخ صدوق در کتاب فقیه که هم روایی است هم فتوایی، بحث دماء ثلاث می فرماید: حیض و حمل قابل جمع است. 3. علامه حلی کتاب قواعد در بحث استحاضه که حامل حیض می شود و قابل جمع است. 4. شهید قدس الله نفسه الزکیه در کتاب دروس بحث دماء ثلاث می فرماید: حیض با حمل جمع می شود. چهار مورد از باب نمونه در مقام بیان اقوال برای شما گفته شد سید بود و شیخ صدوق و علامه حلی و شهید. اقوال گفته شد اما من حیث الادله این رای بسیار از پشتوانه بالایی برخوردار است عنوانش این است که روایاتی که در این باره آمده است که می گویند: حامل حائض می شود نزدیک به حد تواتر است بر مبنای حقیر می شود متواتر و به مبنای سیدنا الاستاد در حد استفاضه است. روایات در حد استفاضه یا تواتر و اصول و قواعد هم قاعده امکان و غیرها هم این مطلب را تایید می کند شرح مسئله برای فردا ان شاء الله.

[1] العروه الوثقی، السید محمد کاظم الطباطبائی، ج 1، ص 236.

[2] شرائع الاسلام، المحقق الحلی، ج 1، ص 34.

[3] السرائر، الفقیه الحلی، ج 1، ص 150.

[4] وسائل الشيعه، الشيخ الحر العاملي، ج2، ص579، ابواب حيض، ب30، ح12، ط اسلاميه.

[5] وسائل الشيعه، الشيخ الحر العاملي، ج2، ص579، ابواب حيض، ب30، ح13، ط اسلاميه.

[6] وسائل الشيعه، الشيخ الحر العاملي، ج2، ص578، ابواب حيض، ب30، ح8، ط اسلاميه.